

Extracting and Analyzing the Components of Quranic Governance in the Life of Prophet Abraham (peace be upon him)

Mohammad Hoseinpour asl¹, Mohsen Hadaddi², Najaf Lakzaee³

Abstract

This research focuses on the governance of Prophet Abraham (AS) and, relying on the method of contrasting concepts and using the method of content analysis, presents a four-dimensional model for the Islamic governance system. The findings indicate that Islamic governance is based on four axes: doctrinal, ethical, jurisprudential, and empirical. Doctrinal governance, emphasizing principles such as monotheism, determines the divine legitimacy of the system. Ethical governance is a peace of mind to prevent tyranny and strengthen public trust. Jurisprudential governance, citing the Hanif religion, provides an institutional framework for the realization of justice and social order. Empirical governance, relying on strategies such as planning and influencing public opinion, transforms theoretical principles into operational measures. The synergistic analysis of these axes shows that the absence of any of them leads to structural deficiencies in the system. For example, jurisprudential governance without ethics becomes dry legalism, and empirical governance without a doctrinal orientation becomes aimless pragmatism. By presenting a hierarchical integration model, this research shows that Islamic governance is not only capable of responding to the material and spiritual needs of complex societies, but also, by combining "monotheistic justice", "collective morality", and "empirical rationality", it is considered a leading model for contemporary governments.

Keywords: Governance, doctrinal governance, moral governance, empirical governance, jurisprudential governance, Prophet Abraham (peace be upon him).

-
1. Corresponding author: Master's student, Department of Political Science, Bagheraloolum University, Qom, Iran mohammad.h.a.k1373@gmail.com
 2. Master's student, Department of Political Science, Bagheraloolum University, Qom, Iran hddadi1371@gmail.com
 3. Professor, Bagheraloolum University, Qom, Iran enghelabe.eslamii@gmail.com

استخراج و تحلیل مؤلفه‌های حکمرانی قرآنی

در سیره حضرت ابراهیم علیه‌السلام

محمد حسین‌پور اصل کلشانی^۱، محسن حدادی^۲، نجف لک‌زایی^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۲۸

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۰۳

چکیده

این پژوهش با تمرکز بر سیره حکمرانی حضرت ابراهیم (ع) و با اتکا بر روش مفاهیم متضاد و با بهره‌بردن از روش تحلیل مضمون، الگویی چهاربُعدی برای نظام حکمرانی اسلامی ارائه می‌کند. یافته‌ها حاکی است حکمرانی اسلامی مبتنی بر چهار محور اعتقادی، اخلاقی، فقهی و تجربی است. حکمرانی اعتقادی با تأکید بر اصولی مانند توحید، مشروعیت الهی نظام را تعیین می‌کند. حکمرانی اخلاقی، آسودگی خاطر برای پیشگیری از استبداد و تقویت اعتماد عمومی است. حکمرانی فقهی، با استناد به دین حنیف، برای تحقق عدالت و نظم اجتماعی چارچوب نهادی فراهم می‌آورد. حکمرانی تجربی نیز با تکیه بر راهبردهایی مانند طرح‌ریزی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی اصول نظری را به اقدامات عملیاتی تبدیل می‌کند. تحلیل هم‌افزایی این محورها نشان می‌دهد که نبود هر یک از آنها به نقصان ساختاری در نظام منجر می‌شود. به‌عنوان مثال، حکمرانی فقهی بدون اخلاقیات به قانونگرایی خشک و حکمرانی تجربی بدون جهت‌گیری اعتقادی به عملگرایی بی‌هدف تبدیل می‌شود. این پژوهش با ارائه الگوی یکپارچه‌سازی سلسله‌مراتبی، نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی نه تنها قادر به پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی جوامع پیچیده است، بلکه با ترکیب «عدالت توحیدی»، «اخلاق جمعی»، و «عقلانیت تجربی»، الگویی پیشرو برای حکومت‌های معاصر به‌شمار می‌رود.

واژگان کلیدی: حکمرانی، حکمرانی اعتقادی، حکمرانی اخلاقی، حکمرانی تجربی، حکمرانی فقهی، حضرت ابراهیم علیه‌السلام.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

mohammad.h.a.k1373@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه علوم سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران hddadi1371@gmail.com

enghelabe.eslamii@gmail.com

۳. استاد، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران

مقدمه

در بستر چالش‌های پیچیده و چندلایه حکمرانی در جهان معاصر، بازخوانی الگوهای بنیادین مبتنی بر وحی، به‌مانند گنجینه‌ای از معرفت عملی و نظری، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. قرآن کریم، به‌عنوان متن هدایت‌بخش و نظام‌ساز، نه‌تنها مشروعیت حکومت را در چارچوب «حاکمیت الهی» تعریف می‌کند (آل عمران/۲۶)، بلکه با روایت سیره انبیای الهی، به‌ویژه حضرت ابراهیم (ع)، الگوهایی بدیع از «حکمرانی توحیدی» ارائه می‌کند که در تقابل با رویکردهای سکولار مبتنی بر قدرت محض، بر اصولی چون عدالت ساختاری و مسئولیت اخلاقی حاکم استوار است. مسئله‌محوری این مقاله، استخراج دلالت‌های حکمرانی در سیره حضرت ابراهیم (ع) با تکیه بر آیات قرآن است تا نشان دهد چگونه قصص قرآنی، به‌مثابه «متون زنده حکمرانی»، می‌تواند ابعاد و مؤلفه‌های حکمرانی توحیدی را در جهان معاصر فراهم کند. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره ضرورت مراجعه به کلام وحی در موضوع حکمرانی می‌فرمایند: «آن چیزی که منبع و منشأ حکمرانی است و دستور حکمرانی و برنامه‌های حکمرانی از آن گرفته می‌شود، عبارت است از کتاب الهی که به پیغمبر نازل شده است؛ این اصول و اساس در آن [کتاب] است؛ و همه برنامه‌های بشری در چهارچوب این اصول بایستی گذاشته بشود.» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۹/۱۲/۲۱)

حکمرانی در ادبیات مدرن، عمدتاً بر محور مفاهیمی چون حاکمیت قانون، شفافیت و مشارکت شهروندی تعریف شده است، اما غفلت از بُعد فرامادی و الهی قدرت، این نظریه‌ها را با خلأ معنوی و اخلاقی روبه‌رو ساخته است. در مقابل، قرآن کریم با تمرکز بر سیره انبیا به‌عنوان «حاکمان الهی»، الگوهایی از حکمرانی ترسیم می‌کند که در آن، «مشروعیت» نه از رضایت صرف مردم، بلکه از التزام به «عبودیت الهی» (ذاریات/۵۶) و «اقامه توحید» نشئت می‌گیرد. حضرت ابراهیم (ع) به‌عنوان «أمة قانتة لله حنیفاً» (نحل/۱۲۰)، در مقام پیامبری که با ساختارهای جاهلیت سیاسی (نماد: نمرود) و انحرافات اجتماعی (بت‌پرستی) مبارزه کرد، نمونه بی‌بدیلی از تلفیق رهبری معنوی با مدیریت تحول‌آفرین است. این مقاله با پرسش اصلی «دلالت‌های حکمرانی در سیره حضرت ابراهیم (ع) بر اساس آیات قرآن چیست؟» می‌کوشد با ادغام روش‌های مفاهیم متضاد و تحلیل مضمون آیات مرتبط، مؤلفه‌های کلیدی الگوی حکمرانی توحیدی را استنباط کند.

بازکاوی سیره انبیا در حوزه حکمرانی، از دو دیدگاه نظری و عملی حائز اهمیت است:

۱. **نظری:** شکاف میان نظریه‌های حکمرانی متعارف و نظام معرفتی اسلام، نیازمند تولید ادبیاتی است که در آن، «حکمت عملی نبوی» (با تأکید بر قصص قرآنی) به زبان گفتمان‌های مدرن حکمرانی ترجمه شود. حضرت ابراهیم (ع) به دلیل رویارویی همزمان با چالش‌های «اقتناع جامعه» (مانند مناظره با قوم در سوره انبیا/ ۵۱ - ۶۷)، «رویارویی با استبداد» (روایت رویارویی با نمروذ) و «بنیانگذاری نظام توحیدی» (ابراهیم/ ۳۵ - ۴۱)، نمونه جامعی برای مطالعه حکمرانی تحول‌گرا است.

۲. **عملی:** در جهان امروزی، بحران اخلاقی - معنوی نظام‌های سیاسی و ناکارآمدی در تحقق عدالت، ضرورت بازگشت به الگوهای وحیانی را پررنگ می‌سازد. سیره ابراهیمی با مؤلفه‌هایی چون «گفتمان‌سازی توحیدی» «تقویت سرمایه اجتماعی» و «تأسیس نهادهای پایدار» می‌تواند نقشه راهی برای حکمرانی عدالت‌محور باشد. این مقاله با عبور از خوانش صرفاً تاریخی یا تفسیری قصص قرآنی، به استخراج مؤلفه‌های حکمرانی قرآنی از سیره حضرت ابراهیم (ع) می‌پردازد. اثبات این فرضیه که حکمرانی ابراهیمی، فراتر از الگویی تاریخی، برای تبیین نسبت قدرت، اخلاق و عدالت در عصر حاضر «چارچوبی جهان‌شمول» است؛ چارچوبی که در آن، حاکم الهی، هم «مصلح اجتماعی» و هم «خادم مردم» در مسیر تحقق «عمران توحیدی» است.

پیشینه و نوآوری

در حوزه حکمرانی در قرآن، پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است که در جدول ذیل آمده است.

جدول ۱. پژوهش‌های پیشین در حوزه حکمرانی در قرآن

نویسنده/ نویسندگان	عنوان و منبع	نتایج و یافته‌ها
نجف لک‌زایی، محمد حسین پور اصل کلشانی.	مقاله دلالت‌های حکمرانی سوره یوسف (ع) (۱۴۰۰)، فقه و سیاست، ۲(۲): ۱۰۲-۱۳۵ 10.22081/ijp.2025.71045.1053	این پژوهش با تحلیل ترکیبی روش مفاهیم متضاد و تحلیل مضمون در سوره یوسف، الگوی حکمرانی توحیدی را در قالب معماری سه‌لایه (هستی‌شناختی، هنجاری و راهبردی) تبیین می‌کند که ثبات ارزشی توحیدمحور و انعطاف راهبردی را هم‌زمان ممکن ساخته است.
مهدی امیری	مقاله «چارچوب پاسخگویی قرآنی: مدلی برای حکمرانی اسلامی»، رهیافتهای نوین مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی، شماره نهم، ۱۴۰۲، صص ۴۱-۶۰	مبانی، موانع و عوامل زمینه‌ساز پاسخگویی مبتنی بر قرآن کریم در سه حوزه شناختی، عاطفی و رفتاری به‌عنوان چارچوب مفهومی پاسخگویی در نظام‌های اجتماعی مبتنی بر قرآن کریم به‌دست آمده است.

ادامه جدول ۱. پژوهش‌های پیشین در حوزه حکمرانی در قرآن

نویسنده/ نویسندگان	عنوان و منبع	نتایج و یافته‌ها
مریم نورالهی؛ علی اصغر پورعزت؛ محمدرضا اسمعیلی گیوی؛ محمدعلی لسانی فشارکی	مقاله «مؤلفه‌های حکمرانی اخلاقی در پرتو قرآن کریم»، مدیریت اسلامی، ۱۴۰۱، شماره ۱۲۱، صص ۲۱۹-۲۴۹.	مؤلفه‌های حکمرانی اخلاقی مانند حاکمیت رابطه رحمانی، حاکمیت عدالت، رضایت عمومی، تخصص و تعهد، خردورزی، مشارکت عمومی، اصلاح و نظارت همگانی است.
فرج‌اله رهنورد؛ محمد ثنائی فر؛ محمدعلی لسانی فشارکی؛ حبیب‌اله طاهرپور کلانتری	مقاله «ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت مطلوب در قرآن کریم»، مدیریت اسلامی، ۱۴۰۱، شماره ۳، صص ۱۱-۴۱.	ابعاد حاکمیت مطلوب با تکیه به ۳۳ مؤلفه به‌دست آمده در پنج عنوان شریعت‌گرایی اسلامی، معنویت‌گرایی اسلامی، عقل‌گرایی، عدالت‌گرایی اسلامی و مردم‌سالاری دینی دسته‌بندی شده است. سبک مستخرج «حاکمیت برادرانه در سایه ولی حق» عنوان‌گذاری شده است.
حمید ایزدبخش؛ مجتبی جواد	مقاله «مدل حکمرانی در قرآن کریم؛ براساس کلیدواژه تبعیت»، تحقیقات بنیادین علوم انسانی، ۱۳۹۹، شماره ۲۰، صص ۲۷-۵۶.	نتایج این پژوهش به صورت الگوی حکمرانی در قرآن کریم در سه محور تابع، متبوع و تبعیت ارائه شده است که ارکان «تبعیت‌کردن» هستند.
مهدیه‌سادات مستقیمی؛ تقی دشتی؛ محمدجواد ارسطا	کتاب «حکمرانی شایسته از منظر قرآن کریم»، ۱۳۹۳، نشر بیت‌الاحزان فاطمه (س)	به اهمیت عدالت به‌عنوان رویکردی مهم در حکومت اشاره، و گستره مفهوم عدالت در زبان قرآن و ارتباط استوار آن با اخلاق و ارزش‌های اسلامی و شئون اصلی آن بررسی شده است.
سید مجتبی امامی؛ مجتبی جواد	مقاله «واکاوی مفهوم حکمرانی در پرتو کلمه «اطاعت» در قرآن کریم»، امنیت ملی، دوره ۱۱، شماره ۴۲، ۱۴۰۰، صفحه ۷۴-۷۳.	این پژوهش نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی از طریق مفهوم «اطاعت» در قرآن کریم قابل فهم است. اطاعت باید با آگاهی و ایمان همراه باشد و نقش انسان‌ها در حکمرانی اهمیت دارد؛ همچنین سطوح گوناگون اطاعت و نیاز دائمی به آن، به‌علاوه نقش تقوا در تقویت رابطه حاکم و مردم، از یافته‌های کلیدی این پژوهش است.

مطالعات پیشین در حوزه حکمرانی قرآنی را می‌توان در سه گونه دسته‌بندی کرد:

۱. مطالعات ساختاری - الگومحور (مانند پژوهش لک‌زایی و همکاران و رهنورد و همکاران) که با استخراج لایه‌های هستی‌شناختی، هنجاری و راهبردی یا ابعادی چون شریعت‌گرایی و عدالت‌گرایی، به طراحی الگوهای جامع حکمرانی مبتنی بر قصص یا مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند.

۲. مطالعات مفهومی - مؤلفه‌ای (مانند پژوهش‌های نورالهی و همکاران، امیری و ایزدبخش و جوادی) که با تمرکز بر مفاهیم کلیدی مانند اخلاق، پاسخگویی و تبعیت، مؤلفه‌های حکمرانی را در قالب عناصری مانند رضایت عمومی، خردورزی یا سطوح اطاعت، صورتبندی کرده‌اند.

۳. مطالعات محوریت‌بنیان (همچون پژوهش مستقیمی و همکاران و امامی و جوادی) که با تأکید بر الگوواره‌های محوری مانند عدالت یا اطاعت، حکمرانی را در پیوند با ارزش‌هایی چون تقوا، آگاهی و ایمان تحلیل کرده‌اند.

این مطالعه نخستین تحلیل نظام‌مند از حکمرانی حضرت ابراهیم (ع) با تمرکز بر همه آیات قرآنی مرتبط است که با روش ترکیبی مفاهیم متضاد (برای فهم بهتر آیات) و روش تحلیل مضمون (تحلیل آیات)، الگوی جامعی از مؤلفه‌های حکمرانی را از سیره حضرت ابراهیم استخراج می‌کند. نوآوری کلیدی این پژوهش، کشف سازوکارهای عملیاتی حکمرانی توحیدی در سیره ابراهیمی (مانند مبارزه با طاغوت، تأسیس نهادهای توحیدی و تعامل گفتمانی با جاهلیت) است که فراتر از رویکردهای تک‌بعدی پیشین، پیوندی یکپارچه بین لایه‌های اعتقادی، هنجاری و راهبردی ایجاد می‌کند.

روش پژوهش

این پژوهش از ترکیب دو روش اصلی «تحلیل مفهومی» و «تحلیل مضمون» بهره می‌برد. این ترکیب روش‌شناختی، امکان درک عمیق‌تر و نظام‌مندتر از دلالت‌های حکمرانی در آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) را فراهم می‌کند.

۱. روش تحلیل مفهومی با رویکرد «تقابل‌های دوقطبی»

روش‌شناسی تحلیلی این پژوهش مبتنی بر رویکرد تقابل‌های دوقطبی است که نخستین بار در چارچوب نظری «مفاهیم متضاد» توسط استاد مرتضی مطهری صورتبندی شد. در این رویکرد، مفاهیم دوسویه هنجاری - ضدهنجاری با ساختار دیالکتیکی مورد بررسی قرار می‌گیرد که از طریق تقابل معنا ساز، لایه‌های پنهان معنا را در گفتمان دینی آشکار می‌سازد. این دوقطبی‌های مفهومی متعارض - شامل مفاهیمی چون یکتاپرستی در برابر شرک‌گرایی، نظام ایمانی در رویارویی با نظام کفر، عدالت اجتماعی در برابر ستم ساختاری و امت واحد در برابر گسست اجتماعی - به‌عنوان ابزارهای هرمنوتیکی برای واکاوی روابط قدرت در متون دینی عمل می‌کنند.

بر اساس این الگو، برخی از این تقابل‌ها از الگوی نفی و اثبات گفتمانی تبعیت می‌کنند؛ به گونه‌ای که تحقق یک قطب (مانند اصلاحات ساختاری) مستلزم طرد کامل قطب متعارض (فساد سامانمند) است. شهید مطهری با استناد به آیات قرآنی، کاربست مفهوم اصلاح را در ساختاری سلسله‌مراتبی از سطوح خرد (مانند اصلاح روابط بین فردی) تا کلان (اصلاح ساختارهای اجتماعی) ترسیم می‌کند که نشانگر رویکردی همه‌جانبه در مهندسی جامعه توحیدی است (مطهری، ۱۳۸۹: ۸). این چارچوب تحلیلی، نه تنها به عنوان ابزاری برای کشف مفاهیم پایه، بلکه به مانند روشی برای کشف روابط بینامتنی مفاهیم حکمرانی در قرآن کریم به کار می‌رود.

۲. روش تحلیل مضمون

روش‌شناسی دوم این پژوهش، تحلیل تماتیک^۱ است که در پژوهش‌های کیفی، امکان استخراج، شناسه‌گذاری و نظام‌بندی الگوهای معنایی نهفته را در داده‌های متنی فراهم می‌سازد. این روش با تکیه بر استنتاج تحلیلی مبتنی بر داده‌ها^۲، فرایند شناسایی مضمون‌ها را از طریق سه مرحله کلیدی «شناسه‌گذاری اولیه»، «دسته‌بندی مقوله‌ای» و «ساخت‌سازی گفتمانی» پیش می‌برد (کیا و فقیهی‌نژاد، ۱۳۹۷: ۱۳). برخلاف برخی روش‌های کیفی که نیازمند اشباع نظری است، تحلیل تماتیک به دلیل انعطاف‌پذیری اپیستمیک و توانایی رویارویی با داده‌های پیچیده و چندلایه، به عنوان چارچوبی بهینه برای مطالعات تفسیرمحور شناخته می‌شود (براون و کلارک، ۲۰۰۶: ۷۵).

تعریف عملیاتی تماتیک

مضمون^۳ به عنوان الگوی معنایی متمایز تعریف می‌شود که از طریق تکرارپذیری، تمرکز مفهومی و ارتباط ساختاری با پرسش پژوهش، سازه‌های گفتمانی غالب در متن را نمایندگی می‌کند. این مضمون‌ها در سه سطح سلسله‌مراتبی سازماندهی می‌شود.

۱. تماتیک پایه^۴: گزاره‌های خرد و عینی مستخرج از متن که به صورت شناسه‌های اولیه شناسایی می‌شوند.

۲. تماتیک سازمانگر^۵: مقوله‌های انتزاعی‌تر که از ادغام شناسه‌های پایه تحت مفاهیم کلان‌تر شکل می‌گیرند.

-
1. Thematic Analysis
 2. Data-Driven Inductive Approach
 3. Theme
 4. Basic Themes
 5. Organizing Themes

۳. **تماتیک کلان:** ابرسازه‌های نظری که به‌عنوان چارچوب‌های پارادایمیک، جهت‌دهنده تفسیر نهایی هستند (شیخ‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۱۵؛ بر پایه آتراید - استیرلینگ، ۲۰۰۱: ۳۹۳).

رویکردهای اجرایی تحلیل تماتیک

این روش به سه شیوه عملیاتی قابل اجرا است:

چارچوب تماتیک^۲: مناسب برای پژوهش‌های با حجم انبوه داده‌های متنی که نیازمند طبقه‌بندی سلسله‌مراتبی هستند.

ماتریس تماتیک^۳: ابزاری برای نمایش رابطه دیالکتیکی میان مضمون‌ها از طریق جدول‌بندی متقاطع.

شبکه‌سازی تماتیک^۴: ترسیم بصری روابط علی - معنایی میان مضمون‌ها در قالب گراف‌های مفهومی (شیخ‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۶۲).

در این پژوهش، با توجه به حجم انبوه داده‌های قرآنی مرتبط با حکمرانی ابراهیمی و پیچیدگی مفاهیم حکمرانی توحیدی، از روش چارچوب تماتیک بهره گرفته شده است. این انتخاب مبتنی بر دو مزیت کلیدی است: نخست، ظرفیت پردازش داده‌های پراکنده در سوره‌های گوناگون قرآن؛ دوم، توانایی ایجاد پیوند بین لایه‌های خرد و کلان معنا بدون تقلیل‌گرایی مفهومی (کینگ و هوراکز، ۲۰۱۰). کاربست این روش، امکان استخراج الگوهای حکمرانی را از دل آیات پراکنده قرآنی با حفظ روایی تحلیلی^۵ فراهم می‌سازد.

فرایند اجرای پژوهش

این مطالعه با به‌کارگیری روش‌شناسی ترکیبی تفسیری - تحلیلی، فرایند استخراج داده‌ها را در چهار مرحله ساختاریافته اجرا می‌کند:

1. Global Themes
2. Thematic Framework
3. Thematic Matrix
4. Thematic Network
5. Analytic Rigor

مرحله اول: شناسه‌گذاری استقرایی داده‌های قرآنی

تمام آیات مرتبط با مؤلفه‌های حکمرانی در سیره حضرت ابراهیم(ع) با استفاده از روش شناسه‌گذاری باز تماتیک مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این مرحله، واحدهای معنایی با رویکرد زمینه‌محور استخراج می‌شود و شناسه‌های اولیه پژوهش شکل می‌گیرد.

مرحله دوم: واکاوی تقابل‌های گفتگویی

با الهام از الگوی دوقطبی‌سازی مفهومی، نظام تقابل‌های معنایی (مانند توحید/شرک، عدل/ظلم، اطاعت/تمرد) در چارچوب گفتمان حکمرانی ابراهیمی شناسایی و تحلیل می‌شود.

مرحله سوم: استخراج سلسله‌مراتب تماتیک

شناسه‌های اولیه در سه سطح کلان‌سازی می‌شود:

۱. تم‌های خرد^۱: گزاره‌های عینی مستخرج از متن
۲. تم‌های میانی^۲: مقوله‌های تحلیلی حاصل از تلفیق شناسه‌های پایه
۳. تم‌های کلان^۳: چارچوب‌های پارادایمیک حاکم بر نظام حکمرانی

مرحله چهارم: طراحی شبکه مفهومی حکمرانی

با استفاده از روابط بین تم‌ها الگوی شبکه‌ای پویا^۴ ترسیم می‌شود که امکان نمایش تعاملات پیچیده بین مؤلفه‌های حکمرانی را فراهم می‌سازد.

مفهوم‌شناسی

حکمرانی

با مروری بر صبغه واژه حکمرانی، سابقه تاریخی آن به واژه یونانی کوبرمن^۵ به معنای راهبری یا هدایت کردن سوق می‌یابد تعبیری که افلاطون آن را برای چگونگی هدایت نظام حکومتی به کار برد. این واژه یونانی در قرون وسطی به واژه گوبرن^۶ تغییر یافت که بر راندن، حکمروایی کردن یا راهبری دلالت دارد. در فرهنگ آکسفورد حکمرانی به صورت فعالیت یا روش حکم‌راندن، اعمال کنترل یا

-
1. Micro-Themes
 2. Meso-Themes
 3. Macro-Themes
 4. Dynamic Network Model
 5. Kubernan
 6. Gubernane

قدرت بر فعالیت‌های زیردستان و ارکان نظامی از قوانین و مقررات تعریف شده است (بشیری و همکاران، ۱۴۰۰)؛ بنابراین حکمرانی مفهوم جدیدی نیست؛ بلکه به پیشینگی تمدن بشری بر می‌گردد. معنای ساده حکمرانی، بر فراگرد تصمیم‌گیری دلالت دارد که به‌وسیله آن تصمیم‌ها اجرایی یا بنا به دلایلی از دستور اجرا خارج می‌شود. در واقع مجموعه‌ای از سنت‌ها و نهادهایی است که حاکمان در چارچوب آنها عمل می‌کنند یا به‌عنوان روش اجرای قدرت در نهادهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی کشورها یا تصدی‌گری اقتصادی، سیاسی و اجرایی برای مدیریت تمامی مناسبات کشور در همه سطوح تعریف شده است (حجاریان و غلام زاده، ۱۳۹۳). حکمرانی به‌عنوان یک الگوواره جدید در گذشته به‌دنبال تغییر شکل حکومتداری بود؛ اما وقتی به سطحی از پختگی خود رسید به‌عنوان مفهومی شناخته شد که با ورود به هر حوزه‌ای در آن تغییر ایجاد می‌کند. باید گفت که حکمرانی بیش از آنکه روشی برای حکومتداری باشد، به‌عنوان یک ساختار در مطالعات مدیریت خط‌مشی‌گذاری استفاده می‌شود؛ یعنی با ورود به هر یک از بخش‌های دولتی و خصوصی به‌دنبال تحول مدیریتی در این بخش‌ها خواهد بود (رحمانی و همکاران، ۱۴۰۰).

هنگام به کارگیری واژه حکمرانی باید به این دو نکته توجه داشت: نخست اینکه حکمرانی حکومت نیست؛ بلکه به‌عنوان یک مفهوم، موجودیت قدرت را در داخل و خارج از اقتدار رسمی و نهادهای حکومتی مشخص می‌کند؛ دوم اینکه حکمرانی بر فراگرد و بر این امر تأکید می‌کند که تصمیم‌ها با توجه به روابط پیچیده بین تعدادی از بازیگران با اولویت‌ها و سلیقه‌های گوناگون گرفته می‌شود (نجفی و اسمعیلی، ۱۴۰۲: ۲۴). حکمرانی اغلب سه گروه اصلی از بازیگران را شامل می‌شود: دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی. حکمرانی بین اولویت‌ها و سلاقی رقیب و متضاد توافقی برقرار می‌کند و این اساس و شالوده مفهوم حکمرانی است (UN-HABITAT, 2015).

حکمرانی را می‌توان نفوذ مدیریت‌شده در فراگردهای اجتماعی تعریف کرد که سازوکارهای گوناگونی در آن درگیر هستند. برخی از این سازوکارها بسیار پیچیده است و فقط از بازیگران بخش دولتی سرچشمه نمی‌گیرد. مفهوم حکمرانی ظرافت و پیچیدگی خاصی دارد و در عین حال چالشی است و بر «چگونگی تعامل دولت‌ها و دیگر سازمان‌های اجتماعی با یکدیگر»، «چگونگی ارتباط آنها با شهروندان» و «چگونگی اتخاذ تصمیم‌ها در سطوح پیچیده ملی و بین‌المللی» نظارت دارد. حکمرانی فراگردی است که جوامع و سازمان‌ها از طریق آن تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ و مشخص می‌کنند. از جمله اینکه چه کسانی در این فراگرد درگیر می‌شوند و چگونه وظیفه خود را به انجام

می‌رسانند. به عبارت دیگر حکمرانی، سامانه‌ای فراگردمحور است؛ به این مفهوم که مجموعه‌ای از توافقات، رویه‌ها، قراردادها و سیاست‌ها مشخص می‌کنند که قدرت در دست چه کسی باشد؛ تصمیم‌ها چگونه اتخاذ، و وظایف چگونه انجام و ادا شود (تدبیری و همکاران، ۱۳۸۷: ۸۹).

در اصطلاح عمومی حکمرانی بر حرکت از رویکرد قبلی به نام حکومت (رویکرد قانونگذاری بالا به پایین که به دنبال تنظیم رفتار افراد و نهادها به شکل مشخص و جزئی صرف است). به سمت حکمرانی (رویکردی که تلاش دارد تا شاخص‌های سامانه را به گونه‌ای تنظیم کند که افراد و نهادها در درون آن عمل کنند و در نتیجه خودتنظیمی^۱ به وجود آید و سامانه به نتایج مورد نظر دست پیدا کند). یا جایگزینی «اعمال قدرت بر»^۲ با «واگذاری قدرت به»^۳ تأکید می‌کند (لی ال و تی ایت، ۲۰۰۵). ترکیبی از انگیزه‌های گوناگون و تمایل به تعقیب اهداف سازمانی در سازمان‌های واسطه سبب می‌شود که مجموعه‌ای از قواعد حکمرانی استقرار یابند (لامرز، ۱۹۸۸).

سرانجام بر اساس مطالعه‌ای جامع، حکمرانی به صورت زیر تعریف می‌شود: «حکمرانی، فرایند راهبری تعامل نظام‌مند کنشگران (حکومتی/ غیرحکومتی) در یک قلمرو (فراملی، ملی و فروملی) از طریق خط‌مشی‌گذاری و تنظیم‌گری (و بازتوزیع) برای تسهیل‌گری و ارائه خدمات (عمومی) به منظور تحقق اهداف جمعی (مشترک بین کنشگران حکومتی و غیرحکومتی) با اعمال اقتدار مشروع در چارچوب آرمان‌ها و ارزش‌های آن قلمرو است.» (عالی و همکاران، ۱۴۰۳: ۸۲)

حکمرانی اسلامی

با توجه به اهمیت دین و قرآن در تعریف حکمرانی، لازم است به حکمرانی اسلامی به عنوان موضوعی ویژه توجه شود. حکمرانی اسلامی، به عنوان یک نظام، بر اساس اعتقادات، ارزش‌ها و اصول دینی شکل گرفته است. با نگاه اسلامی، مطابق قانون الهی، اگر از خدا اطاعت نکنیم، مجازات خواهیم شد و اگر اطاعت کنیم، پاداش می‌یابیم. این قانون در نظام دولتی نیز جاری است؛ یعنی دولت نیز نظامی متشکل از اطاعت، حمایت، مجازات و پاداش است. نمی‌توان گفت نظام اطاعت، حمایت و مجازات در عرصه سیاسی با دین ارتباط ندارد. از آیاتی مانند «أَقِمْو الدِّينَ» (شوری/ ۱۳)، «جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه/ ۷۳) و «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» (مائده/ ۱)

-
1. Self-regulation
 2. Power Over
 3. Power To
 4. Lyall & Tait
 5. Lammers

این مضمون استنباط می‌شود؛ از این رو مطابق عقل و احکام الهی، نمی‌توانیم نظام حکمرانی سکولاری داشته باشیم و در عین حال ادعای دینداری کنیم. مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) درباره حکمرانی اسلامی می‌فرماید: «حکمرانی در منطق اسلام از بن و بنیاد با حکمرانی‌های رایج جهان متفاوت است؛ ... [حکمرانی اسلامی] یک چیز خاصی است متکی به مبانی معنوی. سبک حکمرانی اسلامی این است: مردمی‌بودن، دینی‌بودن، اعتقادی‌بودن، آشرافی‌نبودن، مسرف‌نبودن، ظالم‌نبودن؛ نه ظالم [و نه مظلوم]» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۰/۱۲/۱۹). بر این اساس معظم‌له می‌فرماید: «در نظام اسلامی، حکمرانی، بشری و هدف‌ها الهی است. هدف‌ها، عدالت و کرامت انسان و آبادی زمین و پُربارکردن زمان، و درنهایت، زندگی توحیدی و عروج آدمی به مرتبت قرب خدا است» (امام خامنه‌ای، ۱۴۰۳/۳/۱).

در این باره، تعریفی که لک‌زایی و همکاران ارائه کرده‌اند، به‌عنوان یکی از دقیق‌ترین تعاریف مطرح است: «راهبری مؤمنانه قدرت برای تحقق امر عمومی در تمامی سطوح و بخش‌ها، در ارتباط با دیگر ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و اجزاء، از مبدأ تا مقصد، با به‌کارگیری محرک‌ها در بستر زمان و مکان، از طریق عمل صالح» (لک‌زایی و همکاران، ۱۴۰۳: ۷۱).

عناصر بنیادین حکمرانی اسلامی، که به‌عنوان شاخص‌های اصلی و آشکار این مفهوم مطرح می‌شود، شامل ایمان، عمل صالح، عدل و عقل است. عقل در حکمرانی اسلامی به‌عنوان یکی از ابزارهای اصلی تصمیم‌گیری تلقی می‌شود. عقل در اینجا به‌معنای «جنود عقل» است که در حدیث شریف «جنود عقل و جهل» (امام خمینی، ۱۳۹۱) ذکر شده است.

مؤلفه‌های حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)

برای بررسی دلالت‌های حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)، نیازمند الگوی منسجم و ساختارمندی هستیم که روش پژوهش مدنظر نویسندگان را فراهم آورد. از این رو برای بررسی آیات، الگویی تحلیلی، در قالب جدول ذیل طراحی شده است تا بتواند آیات قرآن را از دیدگاهی ساختاری و مفهومی بررسی کند. این جدول شامل چهار ستون اصلی است که هرکدام نقش خاصی در تحلیل آیات دارد. جدول نمونه در زیر رسم شده است.

جدول ۲. الگوی نمونه تحلیل آیات

آیات	مفهوم اولیه	مفهوم متضاد	مؤلفه محوری
إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ	تسلیم بودن	تسلیم نبودن	مؤلفه اعتقادی
وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا	صداقت	دروغ	مؤلفه اخلاقی
وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ	برائت از شرک	تمایل و حمایت از شرک	مؤلفه شرعی
فَرَأَى عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ	قدرت جسمانی	ضعف و ناتوانی	مؤلفه تجربی

این ساختار به صورت بافتارمند و چندلایه‌ای رفتار می‌کند و با توجه به هر آیه، به شناسایی و تحلیل عناصر بنیادی آن می‌پردازد.

۱. آیات نمونه

این ستون شامل آیات مرتبط با حضرت ابراهیم (ع) است که موضوع آنها، دلالت خاصی بر حکمرانی دارد. به عنوان مثال آیه: «إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ» به موضوع تسلیم شدن در برابر خداوند اشاره می‌کند.

۲. مفهوم اولیه

این ستون به شناسایی مفهوم اصلی و مرکزی در هر آیه می‌پردازد. مفهوم اولیه، همان ارزش یا اصلی است که در آیه برجسته شده است. مفهوم اولیه، بنیادی‌ترین عنصر در تحلیل آیات است و به شناسایی جهت اصلی آیه کمک می‌کند.

۳. مفهوم متضاد

این ستون به شناسایی مفهوم متضاد یا مخالف مفهوم اولیه می‌پردازد. وجود مفهوم متضاد در قالب یک دوگانه، به بررسی چالش‌ها، تضادها و مقایسه‌های موجود در آیات کمک می‌کند. این مفهوم به نشان‌دادن چگونگی تقابل بین دو حالت یا وضعیت کمک می‌کند و به درک عمیق‌تری از مفهوم اولیه منجر می‌شود.

۴. مقوله محوری

این ستون به شناسایی مقوله کلی می‌پردازد که مفهوم اولیه در آن جایگاه دارد. مقوله‌های محوری شامل مؤلفه‌های اعتقادی، اخلاقی، شرعی و تجربی است. مقوله محوری به درک موقعیت مفهوم در چارچوب بزرگ‌تر قرآن کمک می‌کند. به عنوان مثال در آیه: «وَأَذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا»، مقوله محوری در یک دسته‌بندی کلان به نام مؤلفه اخلاقی جای می‌گیرد. با توجه به نکات

جدول، تمام آیات مرتبط با حکمرانی ابراهیم(ع) به دقت تجزیه و تحلیل و شناسه‌گذاری شده است؛ اما با توجه به کثرت آیات این سوره و امکان‌پذیر نبودن نمایش همه آیات و شناسه‌ها، مفاهیم مربوط به حکمرانی در قالب جدول ذیل ارائه می‌شود.

جدول ۳. مقوله‌بندی مفاهیم و مضمون‌های پایه

مؤلفه‌ها	مفهوم برگرفته و نشانی آیات
اعتقادی	تسلیم (صافات/۱۰۳)؛ یقین (انعام/۷۵)؛ ایمان (صافات/۱۱۱)؛ نبوت (مریم/۴۱)؛ خلیل خدا بودن (نساء/۱۲۵)؛ برگزیدگی (بقره/۱۳۰)؛ ایمان (انعام/۸۲)؛ برائت از شرک (مریم/۴۸)؛ دین حنیف (نساء/۱۲۵)؛ رضایت خداوند (بقره/۱۲۷)؛ توحید (ابراهیم/۳۵)؛ امامت (انبیاء/۷۳)؛ خالقیت خداوند (صافات/۹۶)؛ هدایت (صافات/۹۹)؛ پیروی (مریم/۴۳)؛ صفات خداوند (شعراء/۷۸ - ۸۲)
اخلاقی	مشورت با فرزند (صافات/۱۰۲)؛ لسان صدق (مریم/۵۰)؛ محسن بودن (صافات/۱۰۵)؛ قلب سلیم (صافات/۸۴)؛ صداقت (مریم/۴۱)؛ تقوا - حلم (صافات/۱۰۱)؛ اخلاص (مریم/۵۱)؛ ادب (مریم/۴۷)؛ پیوستن به صالحان (شعراء/۸۳)؛ آموزش‌خواهی (مریم/۴۷)؛ خیرخواهی (انبیاء/۷۳)؛ عبد (صافات/۱۱۱)؛ صبر (صافات/۱۰۲)؛ کثرت دعا و نیایش (ابراهیم/۳۵ - ۴۱)؛ دعا برای صالح‌شدن ذریه (صافات/۱۰۰)؛ عبودیت (انبیاء/۷۳)؛ توبه (بقره/۱۲۸)
فقهی	امر به معروف و نهی از منکر (مریم/۴۳ - ۴۵)؛ اقامه نماز (انبیاء/۷۳)؛ امامت و تعلق‌نداشتن آن به انسان‌های ظالم (بقره/۱۲۴)؛ پرداخت زکات (انبیاء/۷۳)
تجربی	قدرت جسمانی (صافات/۹۳)؛ حجت و استدلال (انعام/۸۳)؛ طرح و نقشه‌داشتن برای کارها (انبیاء/۵۷ و ۵۸)؛ افکار عمومی (ابراهیم/۷۴)؛ امنیت (انعام/۸۱)؛ آبادی (ابراهیم/۳۷)؛ ابعاد ابلاغی و اقدامی رسالت انبیا (انبیاء/۵۲ - ۵۸)؛ دوراندیشی (بقره/۱۲۸)؛ محبوبیت اجتماعی (ابراهیم/۳۷)؛ هجرت (انبیاء/۷۱)؛ به تفکر واداشتن (انبیاء/۶۴ و صافات/۸۵ - ۸۷)

با توجه به نکات مستخرج از آیات، در ادامه با بهره‌گرفتن از روش تحلیل مضمون، به شناسایی و کشف مضمون‌های سازمان‌دهنده و فراگیر اقدام خواهد شد.

جدول ۴. تحلیل مضمون نکات مستخرج از آیات

مضمون‌های پایه (شناسه‌های مرتبط با دلالت‌های حکمرانی آیات مربوط به حضرت ابراهیم(ع))	مضمون‌های سازمان‌دهنده	مضمون‌های فراگیر
توحید (ابراهیم/۳۵)؛ یقین (انعام/۷۵)؛ ایمان (صافات/۱۱۱)؛ انعام(۸۲)؛ برگزیدگی (بقره/۱۳۰)؛ برانث از شرک (مریم/۴۸)؛ دین حنیف (نسا/۱۲۵)؛ صفات خداوند (شعرا/۷۸ - ۸۲)؛ خالقیت خداوند (صافات/۹۶)	اصول بنیادین ایمان و توحید (مبانی اعتقادی و پایه‌های فکری حکمرانی الهی)	حکمرانی اعتقادی
تسلیم در برابر خدا (صافات/۱۰۳)؛ خلیل خداوند (نسا/۱۲۵)؛ رضایت خداوند (بقره/۱۲۷)؛ هدایت الهی (صافات/۹۹)؛ پیروی از دستورات (مریم/۴۳)؛ دعا برای پذیرش اعمال (بقره/۱۲۷)	رابطه شخصی و عملی با خداوند (تعاملات فردی و معنوی در حکمرانی)	
امامت (انبیا/۷۳)؛ نبوت (مریم/۴۱)	نقش رهبری دینی و هدایت جامعه (کارکردهای رهبری مبتنی بر اعتقادات)	
صداقت (مریم/۴۱)؛ اخلاص (مریم/۵۱)؛ تقوا - حلم (صافات/۱۰۱)؛ صبر (صافات/۱۰۲)؛ قلب سلیم (صافات/۸۴)؛ محسن‌بودن (صافات/۱۰۵)؛ لسان صدق (مریم/۵۰)	اخلاق فردی در رهبری حکمرانی (شکل‌دهی شخصیت حاکم بر پایه فضایل درونی)	حکمرانی اخلاقی
مشورت با فرزند/مردم (صافات/۱۰۲)؛ خیرخواهی (انبیا/۷۳)؛ پیوستن به صالحان (شعراء/۸۳)؛ ادب (مریم/۴۷)؛ آمرزش‌خواهی برای دیگران (مریم/۴۷)؛ محبوبیت اجتماعی (ابراهیم/۳۷)	حکمرانی مشارکتی و مسئولیت اجتماعی (تعاملات اخلاقی با جامعه و تقویت همبستگی جمعی)	
عبودیت (انبیا/۷۳)؛ توبه (بقره/۱۲۸)؛ کثرت دعا و نیایش (ابراهیم/۳۵ - ۴۱)؛ دعا برای صالح‌شدن ذریه (صافات/۱۰۰)	حاکمیت مبتنی بر تقرب الهی (تبلیور اخلاق در عبودیت و جهت‌دهی معنوی حکمرانی)	
دین حنیف به‌عنوان اساس قانونی (نسا/۱۲۵)؛ امامت و ممنوعیت واگذاری به ظالمان (بقره/۱۲۴)؛ پیروی از احکام الهی (مریم/۴۳)	نظام تشریعی و قانونگذاری الهی (چارچوب‌های شرعی حاکم بر ساختار حکومت و قانون‌گذاری)	حکمرانی فقهی
امر به معروف و نهی از منکر (مریم/۴۳ - ۴۵)؛ اقامه نماز (انبیا/۷۳)؛ پرداخت زکات (انبیا/۷۳)	اجرای وظایف شرعی در حکمرانی (وظایف عملی حاکم و نهادهای حکومتی در تحقق احکام)	
قدرت جسمانی (صافات/۹۳)؛ طرح و نقشه‌ریزی (انبیا/۵۷ - ۵۸)؛ دوراندیشی (بقره/۱۲۸)؛ هجرت (انبیا/۷۱)	مهارت‌های مدیریتی و راهبردی (توانمندی‌های عملی و برنامه‌ریزی برای پیشبرد اهداف حکومت)	
حجت و استدلال (انعام/۸۳)؛ به تفکر واداشتن جامعه (انبیا/۶۴)؛ صافات/۸۵ - ۸۷)؛ تأثیرگذاری بر افکار عمومی (ابراهیم/۷۴)؛ محبوبیت اجتماعی (ابراهیم/۳۷)	تعامل فکری و ارتباط با جامعه (استفاده از ابزارهای اقناعی و تقویت مشارکت عمومی)	حکمرانی تجربی
آبادی (ابراهیم/۳۷)؛ امنیت (انعام/۸۱)	توسعه پایدار و ثبات اجتماعی (ایجاد زیرساخت‌ها و امنیت برای پیشرفت جامعه)	

یافته‌های پژوهش

در این پژوهش، برای یافتن دلالت‌های حکمرانی آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع)، تمام آیات مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. این فرایند طی فرایند شناسه‌گذاری باز، مفاهیم پایه، مفاهیم سازمان‌دهنده و مضمون‌های فراگیر انجام شد. با بررسی آیات قرآن کریم براساس این روش، به چهار بُعد کلی و مبنایی می‌رسیم که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

۱. ابعاد اعتقادی حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)

یکی از ابعاد حکمرانی، مربوط به حوزه باورها و اعتقادات کارگزاران و مردم است. کلیدواژه توحید، دال مرکزی این شاخص‌ها به‌شمار می‌رود. در واقع حکمرانی قرآنی، توسط کارگزاران توحیدی و امت توحیدی جاری و ساری می‌شود. چرا که نتیجه تابع اخص مقدمات است و اگر در این نظام غیر از اعتقادات توحیدی مانند شرک، کفر و طاغوت محوریت یابد، جامعه به حکمرانی مطلوب نخواهد رسید. براساس این معیار، حکمرانی اعتقادی یکی از اجزای حکمرانی قرآنی به‌شمار می‌رود. حکمرانی اعتقادی، ستون فقرات حکمرانی اسلامی است که مبتنی بر اصول توحیدی، رابطه عمیق با خداوند، و نقش رهبری دینی شکل می‌گیرد. این محور، نه تنها جهت‌گیری کلان نظام حکمرانی را تعیین می‌کند، بلکه به‌عنوان مبنای مشروعیت و عدالت در اداره جامعه رفتار می‌کند. در ادامه، یافته‌های این بخش را در سه دسته اصلی، با استناد به آیات قرآن، تحلیل می‌کنیم:

۱. اصول بنیادین ایمان و توحید: پایه‌های نظری حکمرانی

این دسته، چارچوب فکری و اعتقادی حکمرانی اسلامی را ترسیم می‌کند و شامل مفاهیمی است که بدون آنها، نظام حکومتی از مسیر الهی منحرف می‌شود:

- توحید (ابراهیم/۳۵): «رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا...».

دعای ابراهیم برای امنیت و توحید، نشان می‌دهد که حکمرانی باید مبتنی بر نفی شرک و تأکید بر یگانگی خداوند باشد. این اصل، مبنای قوانین و سیاست‌ها را از هرگونه انحراف حفظ می‌کند.

- یقین (انعام/۷۵): «وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...».

یقین ابراهیم به ملکوت الهی، ضرورت ایمان راسخ حاکم به غیب و عدالت خداوند را نشان می‌دهد. این یقین، تصمیم‌گیری‌ها را از تردید و سودجویی‌های مادی ایمن می‌دارد.

- دین حنیف (نساء/۱۲۵): «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ...».

دین حنیف (آیین پاک توحیدی)، چارچوب قانونی حکومت را تعیین، و تضمین می‌کند که قوانین بشری در تقابل با اراده الهی قرار نگیرد.

- برائت از شرک (مریم/۴۸): «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي...».

برائت ابراهیم از مشرکان، نشانگر لزوم جدایی حکومت از هرگونه نظام شرک‌آمیز است. این اصل، مشروعیت حکومت را به وفاداری به توحید وابسته و مشروط می‌کند.

۲. رابطه شخصی و عملی با خداوند: منبع مشروعیت و هدایت

حکمران در نظام اسلامی، نه تنها مدیر جامعه، بلکه بنده‌ای مسئول در برابر خداوند است. این رابطه، دو عنصر کلیدی دارد:

- تسلیم در برابر خدا (صافات/۱۰۳): «فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّ لِلْجَبِينِ». تسلیم ابراهیم در ذبح اسماعیل، نماد اطاعت بی‌قید و شرط حاکم از فرامین الهی است. این تسلیم، تضمین می‌کند که مصلحت‌اندیشی‌های شخصی جایگزین اراده خداوند نشود.

- خلیل خدا بودن (نساء/۱۲۵): «وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا».

دوستی ویژه ابراهیم با خداوند، الگویی برای ارتباط عاطفی و اعتماد متقابل بین حاکم و پروردگار است. این رابطه، مشروعیت حاکم را از مقبولیت مردمی فراتر برده، به مقبولیت الهی گره می‌زند.

- دعا برای پذیرش اعمال (بقره/۱۲۷): «رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ».

دعای ابراهیم و اسماعیل، نشان می‌دهد که حاکم اسلامی باید همواره پایش اعمال خود را به خداوند واگذار کند و از غرور و خودمحوری بپرهیزد.

۳. نقش رهبری دینی و هدایت جامعه: کارکرد اجتماعی اعتقادات

حکمرانی اعتقادی، تنها به حوزه فردی محدود نمی‌شود، بلکه مسئولیت هدایت جامعه به‌سوی کمال را بر عهده دارد:

- امامت (انبیاء/۷۳): «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...».

امامت ابراهیم، نماد رهبری مبتنی بر وحی و هدایت الهی است. این جایگاه، حاکم را موظف می‌کند تا جامعه را از ظلمت جهل و گناه به نور عدالت و تقوا رهنمون سازد.

- نبوت (مریم/۴۱): «وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا».

نبوت ابراهیم، تأکید بر رسالت حاکم در ابلاغ احکام الهی و مبارزه با انحرافات فکری و اخلاقی است.

حکمرانی اعتقادی، قلب تپنده حکمرانی اسلامی است که با ترکیب «اصول توحیدی»، «رابطه شخصی با خداوند» و «مسئولیت هدایت جامعه»، الگویی جامع برای اداره جامعه ارائه می‌دهد. این محور، تضمین می‌کند که حکومت نه تنها به نیازهای مادی مردم پاسخ دهد، بلکه آنان را به سوی «کمال انسانی» و «رضایت الهی» سوق دهد.

۲. ابعاد اخلاقی حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)

دسته دوم مربوط به حوزه‌های اخلاق، فضائل و رذائل می‌شود. حکمرانی قرآنی بر فضائل گوناگونی مانند امانت تأکید می‌کند که نقطه مقابل خیانت است. صفاتی مانند احسان، صداقت، تواضع، ادب، عفت و پاکدامنی، صبر و... از جمله این شاخص‌ها است. حکمرانی اخلاقی جزء دوم حکمرانی حضرت ابراهیم (ع) را شامل می‌شود. حکمرانی اخلاقی در صدد زدودن رذائل و صفات ناپسند از جامعه و جایگزین کردن آن با فضائل و صفات پسندیده است تا به یک حکمرانی فضیلت‌محور دست یابیم.

حکمرانی اخلاقی، روح حاکم بر نظام اسلامی است که تعادل میان ارزش‌های فردی، مسئولیت‌های اجتماعی، و تقرب به خداوند را تضمین می‌کند. این محور، نه تنها رفتار حاکم را اصلاح، بلکه اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را تقویت می‌کند. در ادامه، یافته‌های این بخش را در سه دسته اصلی، با استناد به آیات قرآن، تحلیل می‌کنیم:

۱. اخلاق فردی در رهبری حکومتی: پایه‌های شخصیت حاکم

این دسته، ویژگی‌های درونی حاکم را شکل می‌دهد که بدون آنها، رهبری فاقد مشروعیت اخلاقی خواهد بود:

- صداقت (مریم/۴۱): «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صَدِيقًا نَبِيًّا».

توصیف ابراهیم به «صدیق» (راستگو)، نشان می‌دهد که راستگویی اصل غیر قابل مذاکره در حکمرانی است. این ویژگی، شفافیت و اعتماد عمومی را ایجاد می‌کند.

- اخلاص (مریم/۵۱): «وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَى إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا...».

اخلاص موسی، الگویی برای نیت پاک حاکم در اجرای عدالت است. اخلاص، تصمیم‌گیری‌ها را از منافع شخصی و گروهی نکه می‌دارد.

- صبر (صافات/۱۰۲): «فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ... إِنَّكَ مِنَ الصَّابِرِينَ».

صبر ابراهیم در آزمایش الهی، نماد تحمل فشارهای حکومتی و پابندی به اصول، حتی در شرایط بحرانی است.

- قلب سلیم (صافات/۸۴): «إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ».

قلب سلیم (پاک از کینه و تزویر)، ضرورت پاک‌سازی درونی حاکم از رذایل اخلاقی را نشان می‌دهد.

۲. حکمرانی مشارکتی و مسئولیت اجتماعی: تعامل اخلاقی با جامعه

این دسته، تعامل حاکم با مردم و مسئولیت‌پذیری او در برابر جامعه را تنظیم می‌کند:

مشورت با مردم (صافات/۱۰۲): «قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَى».

مشورت ابراهیم با پسرش، الگویی برای حکمرانی مشارکتی است که تصمیم‌گیری‌ها را به جای استبداد، بر پایه گفتگو استوار می‌سازد.

خیرخواهی (انبیاء/۷۳): «وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا...».

امامت ابراهیم، همراه با هدایت جامعه به سوی خیر، نشانگر مسئولیت حاکم در بهبود کیفیت زندگی مردم است.

آمزش‌خواهی برای دیگران (مریم/۴۷): «قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي...».

درخواست آمزش ابراهیم برای پدرش، بیانگر مسئولیت اخلاقی حاکم در اصلاح جامعه، حتی در برابر مخالفان است.

محبوبیت اجتماعی (ابراهیم/۳۷): «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ...».

توجه ابراهیم به آبادی و رفاه مردم، الگویی برای جلب رضایت عمومی از طریق خدمت‌رسانی است.

۳. حاکمیت مبتنی بر تقرب الهی: تلفیق اخلاق و معنویت

این دسته، رابطه حکمرانی با خداوند را تقویت می‌کند و جهت‌گیری معنوی نظام را تعیین می‌کند:

عبودیت (انبیاء/۷۳): «...وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ...».

عبودیت ابراهیم، نشان می‌دهد که حکمرانی باید در مسیر عبادت جمعی قرار گیرد و سیاست‌ها را با ارزش‌های دینی همسو کند.

توبه (بقره/۱۲۸): «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ...».

توبه به عنوان ابزار تصحیح خطاهای حکومتی، ضرورت پاسخگویی حاکم در برابر خداوند و مردم را یادآوری می‌کند.

دعا برای صلاح ذریه (صافات/۱۰۰): «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ».

دعای ابراهیم برای نسل صالح، تأکید بر مسئولیت حاکم در تربیت نسل آینده بر پایه اخلاق و ایمان است.

حکمرانی اخلاقی، پل ارتباطی بین حاکم، مردم و خداوند است. این محور با ترکیب «فضائل فردی»، «مسئولیت اجتماعی»، و «تقرب الهی»، الگویی ارائه می‌کند که در آن، حکومت نه تنها به اداره کارهای دنیوی می‌پردازد، بلکه جامعه را به سوی کمال اخلاقی و معنوی هدایت می‌کند. آیات قرآن نشان می‌دهد که بدون اخلاق، حکمرانی اسلامی به ابزاری بی‌روح تبدیل می‌شود که فاقد مشروعیت، عدالت، و پایداری است.

۳. ابعاد شرعی و فقهی (قانون الهی) حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)

دسته سوم به حوزه شاخص‌های شرعی، فقهی و رفتاری مربوط می‌شود که بر قانون‌گرایی تأکید دارد. در واقع حکمرانی فقهی یا شرعی در صدد اجرای احکام و قوانین شرعی در جامعه است؛ یعنی عمل به واجبات و ترک محرمات محقق‌کننده حکمرانی فقهی و شرعی است. حکمرانی فقهی، چارچوب عملی و قانونی حکومت اسلامی را تعیین، و تضمین می‌کند که اداره جامعه بر پایه احکام الهی و عدالت شرعی استوار باشد. این محور، حلقه اتصال بین اصول اعتقادی و اجرای عملی در نظام اسلامی است. در ادامه، یافته‌های این بخش را در دو دسته اصلی، با استناد به آیات قرآن، تحلیل می‌کنیم:

۱. نظام تشریعی و قانونگذاری الهی: پایه‌های کلان حکومت

این دسته، اساسنامه شرعی حکمرانی اسلامی را شکل می‌دهد و قوانین را از هرگونه انحراف ایمن می‌دارد:

- دین حنیف به عنوان اساس قانونی (نساء/۱۲۵): «وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِّمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ...».

دین حنیف (آیین توحیدی پاک)، چارچوب قانونگذاری حکومت را تعیین، و تضمین می‌کند که قوانین بشری در تقابل با اراده الهی قرار نگیرد. این اصل، عدالت را نه بر پایه خواست مردم، بلکه بر مبنای رضایت خداوند استوار می‌سازد.

- امامت و ممنوعیت واگذاری به ظالمان (بقره/۱۲۴): «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا... لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ».

شرط امامت، عدالت حاکم است. این آیه نشان می‌دهد که رهبری در حکومت اسلامی تنها به افراد عادل و دور از ظلم سپرده می‌شود. این اصل، مشروعیت حکومت را به تقوا و پاک‌دستی حاکم گره می‌زند.

- پیروی از احکام الهی (مریم/۴۳): «يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا».

رهنمود ابراهیم به پدرش برای پیروی از علم الهی، حتی در رویارویی با سنت‌های نادرست جامعه، الگویی برای اطاعت حاکم از احکام الهی است.

۲. اجرای وظایف شرعی در حکمرانی: تحقق عملی احکام

این دسته، وظایف اجرایی حاکم و نهادهای حکومتی را در راستای تحقق عدالت اجتماعی و تقرب به خداوند مشخص می‌کند:

- امر به معروف و نهی از منکر (مریم/۴۳ - ۴۵): «...وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...».

دستور ابراهیم به خانواده برای اقامه نماز، نماد مسئولیت حاکم در ترویج ارزش‌های اخلاقی و رویارویی با فساد است. این اصل، حکومت را موظف می‌کند تا نه تنها قوانین را وضع کند، بلکه نظارت فعال بر اجرای آنها داشته باشد.

- اقامه نماز و پرداخت زکات (انبیا/۷۳): «...وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ...».

اقامه نماز و زکات، دو رکن عملی حکمرانی فقهی است که عدالت اقتصادی و ارتباط جمعی با خداوند را تضمین می‌کند. نماز، نماد نظم اجتماعی و زکات، ابزار تعدیل ثروت در جامعه اسلامی است.

حکمرانی فقهی، ستون اجرایی حکومت اسلامی است که با ترکیب «قانونگذاری الهی» و «اجرای عملی احکام»، جامعه را در مسیر عدالت و تقوا هدایت می‌کند. آیات قرآن نشان می‌دهد که بدون حکمرانی فقهی، نظام اسلامی به مجموعه‌ای از افکار انتزاعی تبدیل می‌شود که قادر به پاسخگویی به نیازهای واقعی جامعه نیست. این محور، نه تنها قوانین را از تحریف ایمن می‌دارد، بلکه تضمین می‌کند که حکومت، تجلی اراده الهی در زمین باشد.

۴. ابعاد بشری (تجربی و عرفی) حکمرانی حضرت ابراهیم (ع)

دسته چهارم مؤلفه‌های بشری و تجربی است؛ یعنی اینگونه نیست که الزاما دین آنها را بیان کرده باشد؛ اما از پشتوانه و تأیید الهی برخوردار است. حکمرانی تجربی، بُعد عملی و راهبردی حکومت اسلامی را شکل می‌دهد که با تکیه بر مهارت‌های مدیریتی، تعامل هوشمندانه با جامعه و توسعه زیرساخت‌ها، اهداف کلان نظام را محقق می‌سازد. این محور، حکمرانی را از سطح نظری به اجرای مؤثر در عرصه واقعی ارتقا می‌دهد. در ادامه، یافته‌های این بخش را در سه دسته اصلی، با استناد به آیات قرآن، تحلیل می‌کنیم:

۱. مهارت‌های مدیریتی و راهبردی: توانمندی‌های عملی حاکم

این دسته، شایستگی‌های فنی و برنامه‌ریزی حاکم را برای اداره جامعه و رویارویی با چالش‌ها تقویت می‌کند:

- قدرت جسمانی (صافات/۹۳): «فَرَأَىٰ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ».

اقدام ابراهیم در شکستن بت‌ها با قدرت فیزیکی، نماد اقدام قاطع و عملی در برابر فساد و انحراف است. این آیه نشان می‌دهد که حاکم باید توانایی مدیریت بحران و اجرای تصمیمات را حتی در شرایط سخت داشته باشد.

- طرح و نقشه‌ریزی (انبیا/۵۷ - ۵۸): «وَتَاللَّهِ لَأُكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ».

برنامه‌ریزی هوشمندانه ابراهیم برای رویارویی با بت‌پرستی، ضرورت تدبیر و راهبرد در حکمرانی را نشان می‌دهد. حکومت اسلامی نمی‌تواند تنها واکنشی رفتار کند، بلکه باید با برنامه‌ریزی بلندمدت، اهداف خود را پیش ببرد.

- دوراندیشی (بقره/۱۲۸): «رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمَنْ ذُرِّيَّتْنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ...».

دعای ابراهیم برای نسل آینده، نشانگر تفکر آینده‌نگرانه در حکمرانی است. حاکم اسلامی باید پیامدهای تصمیمات خود را برای نسل‌های بعدی نیز مدنظر قرار دهد.

- هجرت (انبیا/۷۱): «وَنَجِّنَاهُ وَلَوْطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ».

هجرت ابراهیم به سرزمین مبارک، نماد مدیریت تغییر و استفاده از فرصت‌های جدید برای پیشرفت جامعه است.

۲. تعامل فکری و ارتباط با جامعه: جلب مشارکت و اعتماد عمومی

این دسته، روش‌های اقناعی و تعاملی حاکم با مردم را برای ایجاد همکاری و پذیرش سیاست‌ها تقویت می‌کند:

- حجت و استدلال (انعام/۸۳): «وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ...».
- استفاده ابراهیم از استدلال منطقی در مناظره با قوم خود، الگویی برای حکمرانی مبتنی بر عقلانیت است. حاکم باید با ابزارهای اقناعی مانند گفتگو و استدلال، افکار عمومی را هدایت کند.
- به تفکر واداشتن جامعه (انبیاء/۶۴؛ صافات/۸۵ - ۸۷): «قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ...».
- پرسشگری ابراهیم از قوم خود درباره بت‌ها، نشان می‌دهد که حاکم باید تفکر انتقادی را در جامعه ترویج کند تا مردم به جای تقلید کورکورانه، با آگاهی رفتار کنند.
- تأثیرگذاری بر افکار عمومی (ابراهیم/۷۴): «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ».
- دعای ابراهیم برای مؤمنان، الگویی برای همدلی با مردم و تقویت پیوند عاطفی بین حاکم و جامعه است.

۳. توسعه پایدار و ثبات اجتماعی: زیرساخت‌های مادی و معنوی

- این دسته، پایه‌های رفاه و امنیت جامعه را فراهم می‌آورد تا حکمرانی در بستری پایدار تحقق یابد:
- آبادی (ابراهیم/۳۷): «رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ دُرِّيْتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ...».
- تلاش ابراهیم برای آبادانی سرزمینی بی‌آب و علف (مکه)، نشانگر توجه به توسعه زیرساخت‌ها و رفاه عمومی است. حکومت اسلامی موظف است نیازهای اولیه مردم مانند آب، مسکن، و امنیت را تأمین کند.

- امنیت (انعام/۸۱): «وَكَيْفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمْ بِاللَّهِ...».
- تأکید ابراهیم بر امنیت روانی و اجتماعی در سایه توحید، بیانگر این است که حکومت باید امنیت جامع (فکری، اقتصادی، و اجتماعی) را تضمین کند.

حکمرانی تجربی، پل ارتباطی بین اصول نظری و واقعیت‌های عملی در نظام اسلامی است. این محور با ترکیب «مهارت‌های مدیریتی»، «تعامل هوشمندانه با جامعه»، و «توسعه زیرساخت‌ها»، تضمین می‌کند که حکومت نه تنها در سطح شعار، بلکه در عمل بتواند عدالت، رفاه و امنیت را برای مردم به ارمغان آورد. آیات قرآن نشان می‌دهد که بدون حکمرانی تجربی، نظام اسلامی توانایی پاسخگویی به نیازهای پیچیده جامعه را ندارد و سرانجام به ساختاری ناکارآمد تبدیل می‌شود.

تحلیل نظام‌مند و بافتارمند چهار محور حکمرانی اسلامی

حکمرانی اسلامی، به‌عنوان نظام یکپارچه، از چهار محور اعتقادی، اخلاقی، فقهی، و تجربی تشکیل شده است که در تعامل پویا با یکدیگر، چارچوبی جامع برای اداره جامعه مبتنی بر ارزش‌های الهی ایجاد می‌کند. این چهار محور نه تنها در سطح نظری، بلکه در سطح عملی نیز به‌صورت هم‌افزا رفتار می‌کند تا اهداف حکومت اسلامی محقق شود. در ادامه، ارتباط نظام‌مند این محورها در قالب الگوی سلسله‌مراتبی - تعاملی تحلیل می‌شود:

۱. حکمرانی اعتقادی: هسته مرکزی نظام

تعریف: مجموعه اصول توحیدی، رابطه با خداوند و نقش رهبری دینی که مشروعیت الهی حکومت را تعیین می‌کند.

نقش در سیستم:

پایه نظری: اصولی مانند توحید (ابراهیم/۳۵)، یقین (انعام/۷۵) و امامت (انبیا/۷۳)، چارچوب فکری حکمرانی را شکل می‌دهد.

جهت‌دهی کلان: تعیین اهداف نهایی حکومت (رضایت الهی، هدایت جامعه) و تضمین همسویی سیاست‌ها با اراده خداوند

مشروعیت‌بخشی: مشروعیت حاکم از طریق «خلیل خدا بودن» (نسا/۱۲۵) و «پیروی از احکام الهی» (مریم/۴۳) به‌دست می‌آید.

۲. حکمرانی اخلاقی: پل ارتباطی بین حاکم و جامعه

تعریف: فضائل فردی و تعاملات اجتماعی که اعتماد عمومی و انسجام اخلاقی را تقویت می‌کند. نقش در سیستم:

ترمیم رابطه قدرت - مردم: مشورت (صافات/۱۰۲)، خیرخواهی (انبیا/۷۳) و ادب (مریم/۴۷)، فاصله بین حاکم و مردم را کاهش می‌دهد.

کنترل غیر رسمی: اصولی مانند تقوا و صبر (صافات/۱۰۲)، رفتارهای خودتنظیم‌گر را در جامعه نهادینه می‌کند.

تقویت مشروعیت: محبوبیت اجتماعی (ابراهیم/۳۷) و عبودیت (انبیا/۷۳)، پذیرش حکومت را افزایش می‌دهد.

۳. حکمرانی فقهی: چارچوب نهادی و قانونی

تعریف: قوانین شرعی و وظایف عملی که عدالت ساختاری و نظم اجتماعی را تضمین می‌کند.

نقش در سیستم:

ساختاردهی: دین حنیف (نسا/۱۲۵) و امامت (بقره/۱۲۴)، ساختار حکومت و قوانین را تعریف

می‌کند.

اجرای عدالت: اقامه نماز و زکات (انبیا/۷۳)، توزیع منابع و تقویت همبستگی اجتماعی را ممکن

می‌سازد.

پاسخگویی: شرط عدالت در امامت، حاکم را موظف به رعایت احکام الهی می‌کند.

۴. حکمرانی تجربی: پیشران اجرایی نظام

تعریف: مهارت‌های مدیریتی، راهبردهای عملی، و توسعه زیرساخت‌ها که تحقق اهداف را ممکن

می‌سازد.

نقش در سیستم:

بهینه‌سازی منابع: طرح و نقشه‌ریزی (انبیا/۵۷ - ۵۸) و هجرت (انبیا/۷۱)، استفاده کارآمد از امکانات

را تضمین می‌کند.

انطباق با واقعیت‌ها: تأثیرگذاری بر افکار عمومی (ابراهیم/۷۴) و تفکر انتقادی (انبیا/۶۴)، سیاست‌ها

را با نیازهای جامعه هماهنگ می‌کند.

توسعه پایدار: آبادی (ابراهیم/۳۷) و امنیت (انعام/۸۱)، پایه‌های مادی پیشرفت جامعه را فراهم

می‌آورد.

بافتارمندی نظام حکمرانی اسلامی: الگوی سلسله‌مراتبی - تعاملی

۱. سطح هسته‌ای (اعتقادی): جهت‌دهی کلان نظام بر پایه توحید و رابطه با خداوند

۲. سطح هنجاری (اخلاقی): تنظیم رفتارهای فردی و اجتماعی بر اساس فضایل اخلاقی

۳. سطح ساختاری (فقهی): تعریف قوانین و نهادها برای تحقق عدالت شرعی

۴. سطح عملیاتی (تجربی): اجرای سیاست‌ها با استفاده از مهارت‌های مدیریتی و راهبردی

تعامل بین سطوح

حکمرانی اعتقادی، چارچوب ارزشی را برای سطوح دیگر تعیین می‌کند.

حکمرانی اخلاقی، سوپاپ اطمینان برای جلوگیری از سوء استفاده از قدرت در سطوح فقهی و تجربی است.

حکمرانی فقهی، پل ارتباطی بین ارزش‌های اعتقادی و اجرای عملی به‌شمار می‌رود. حکمرانی تجربی، بازوی اجرایی است که اصول اعتقادی و اخلاقی را در قالب برنامه‌های ملموس اجرا می‌کند.

حکمرانی اسلامی، سامانه‌ای پویا است که در آن چهار محور اعتقادی، اخلاقی، فقهی، و تجربی به‌صورت زیر به هم پیوسته عمل می‌کند:

حکمرانی اعتقادی به‌عنوان قطب‌نما، جهت کلان نظام را تعیین می‌کند.
حکمرانی اخلاقی به‌عنوان روان‌ساز اجتماعی، اصطکاک بین حاکم و مردم را کاهش می‌دهد.
حکمرانی فقهی به‌عنوان اسکلت قانونی، ساختارهای نهادی را شکل می‌دهد.
حکمرانی تجربی به‌عنوان موتور محرکه، ایده‌ها را به اقدام تبدیل می‌کند.

نقش کلیدی تعاملات

نبود هر یک از این محورها، سامانه را ناقص می‌کند. مثلاً، حکمرانی فقهی بدون اخلاقیات به قانونگرایی خشک، و حکمرانی تجربی بدون اعتقادات به عملگرایی بی‌هدف تبدیل می‌شود. آیات قرآن (مانند صافات/۱۰۳؛ انبیا/۷۳؛ ابراهیم/۳۵) نشان می‌دهد که این چهار محور در زندگی حضرت ابراهیم(ع) به‌صورت الگوی عملی تجلی یافته است.

نتیجه‌گیری

حکمرانی اسلامی، به‌عنوان یک نظام پویا و چندلایه، از چهار محور به هم پیوسته اعتقادی، اخلاقی، فقهی و تجربی تشکیل می‌شود که در تعامل ارگانیک با یکدیگر، الگویی جامع برای اداره جامعه مبتنی بر ارزش‌های الهی ارائه می‌کند. این پژوهش با تحلیل آیات قرآن و سیره عملی حضرت ابراهیم(ع)، نشان می‌دهد که حکمرانی اسلامی نه‌تنها نظریه‌ای انتزاعی، بلکه الگویی کاربردی است که می‌تواند پاسخگوی نیازهای پیچیده جوامع معاصر باشد.

حکمرانی اعتقادی به‌عنوان هسته مرکزی، جهت‌گیری کلان نظام را تعیین می‌کند. این محور، مشروعیت حکومت را از رضایت الهی می‌گیرد و آن را از نظام‌های سکولار متمایز می‌سازد.

حکمرانی اخلاقی به عنوان روان ساز اجتماعی، با تقویت فضائلی مانند صداقت، مشورت و عبودیت، اعتماد عمومی و انسجام اجتماعی را تضمین می کند.

حکمرانی فقهی با استناد به قوانین شرعی، برای تحقق عدالت و نظم اجتماعی چارچوب نهادی فراهم می آورد.

حکمرانی تجربی با تکیه بر مهارت هایی مانند طرح ریزی و تأثیرگذاری بر افکار عمومی اصول نظری را به اقدامات ملموس تبدیل می کند.

در این نظام، سطح هسته ای (اعتقادی) پایه های فکری و ارزشی دیگر محورها را شکل می دهد. سطح هنجاری (اخلاقی) رفتار فردی - اجتماعی حاکم و مردم را در چارچوب قوانین فقهی تنظیم می کند. سطح ساختاری (فقهی) قوانین شرعی، سازوکارهای اجرایی را برای تحقق عدالت تعریف می کند. سطح عملیاتی (تجربی) مهارت های مدیریتی و راهبردی، اصول اعتقادی و اخلاقی را در عرصه عمل اجرا می کند.

حکمرانی اسلامی، با الهام از سیره حضرت ابراهیم (ع)، نظامی پویا و انعطاف پذیر است که در آن، اصول اعتقادی به مثابه قطب نما، اخلاقیات به عنوان روان ساز، قوانین فقهی به عنوان اسکلت و مهارت های تجربی به عنوان موتور محرک رفتار می کند. این نظام نه تنها قادر به پاسخگویی به نیازهای مادی و معنوی جامعه است، بلکه با تأکید بر عدالت توحیدی و کمال اخلاقی، الگویی برای حکومت های معاصر ارائه می کند که می تواند در رویارویی با چالش های جهانی، راهکاری الهی - انسانی پیشنهاد کند.

فهرست منابع

قرآن کریم

امام خمینی، سید روح‌الله (۱۳۹۱). **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).

عالی، محمدباقر؛ غضنفری، مهدی؛ پورصادق، ناصر و پورعزت، علی‌اصغر (۱۴۰۳). تعریف حکمرانی (فرا ترکیب چپستی حکمرانی)، **حکمرانی متعالی**، ۵(۲): ۶۳ - ۸۹.

لک‌زایی، نجف؛ اکبری معلم؛ علی و حدادی، محسن (۱۴۰۳). موضوع‌شناسی فقهی حکمرانی دینی، **فصلنامه دین و قانون**، ۱۲(۴۳): ۵۱ - ۷۸
<https://doi.org/10.225/qjrl.2024.243>

مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). **بررسی اجمالی نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر**، تهران: صدرا.
کیا، علی‌اصغر و فقیهی‌نژاد، مهدی (۱۳۹۷). تحلیل مضمون مفاهیم ارتباطات و توسعه در مفاد برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران، **مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی**، ۶(۱۱)، ۳۳ - ۷۱.
شیخ‌زاده، محمد؛ تسلیمی، محمد سعید؛ عابدی جعفری، حسن و فقیهی، ابوالحسن (۱۳۹۰). تحلیل مضمون و شبکه مضامین: روشی ساده و کارآمد برای تبیین الگوهای موجود در داده‌های کیفی، **اندیشه مدیریت راهبردی**، ۱۵۱ - ۱۹۸.

بشیری، عباس؛ شقاقی شهری، وحید (۱۳۹۰). رویکردی اقتصادی به مقوله حکمرانی خوب، **فصلنامه بررسی‌های بازرگانی**، ۴۸.

حجاریان، محمد؛ غلام زاده، عسگری (۱۳۹۳) حکمرانی (حاکمیت)، دانشگاه علامه طباطبائی، مدیریت استراتژیک صنعتی.

رحمانی، فاطمه؛ اسمعیلی گیوی، محمدرضا و عبدالحمید، مهدی (۱۴۰۰). **حکمرانی قضائی**، تهران: پژوهشگاه قوه قضائیه. (در دست انتشار).

نجفی رستاقی، حیدر؛ اسمعیلی گیوی، محمدرضا (۱۴۰۲). **حکمرانی: رهیافت‌ها و فناوری‌ها**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

تدبیری، سیروس؛ شفیع زاده، حمید (۱۳۸۷). **نگرشی نوین در مدیریت با تکیه بر حکمرانی مطلوب**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسلامشهر.

Reference

Braun, V & ,Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology .**Qualitative Research in Psychology**, 3(2),77-101.

UN-HABITAT, (2015), **Global campaign on urban Governance: concept paper**, nd Edition, Nairobi. 17-2015

Lyall, C., J. Tait. (2005), **Shifting policy debates and the implications for governance**. pp. 1-17. in C LYALL and J. TAIT (eds.), **New Modes of Governance**,

Developing an Integrated Approach to Science Technology, Risk and the Environment. Aldershot, England: Ashgate Publishing

Lammers, C. J. (1988), the interorganizational control of an occupied country. *Administrative Science Quarterly*, 33, 438-457.

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by The National Defense University. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

